

نظرمهاتماگاندی درباره آموزش عالی وبازتاب آن در قرن ۲۱

جان ورگیس ویلانیلام / ترجمه دکتر توفیق هـ. سبحانی (استاد د. پیام نور)

نظرمهاتماگاندی جی درباره هند نو به نظرات او در تعلیم و تربیت وابسته بود. در واقع آنچه گاندی جی درباره ساخت هند نو گفت یا عمل کرد، در رؤیاهای وی بود. زیرا که او به اتحاد عقیده داشت. گاندی جی مانند ایوان ایلیچ و پائولو فریر، که چند دهه بعد از او وارد میدان شدند، می‌پرسید که نظام آموزشی مستعمراتی چه ارتباطی با هند آزاد و مستقل می‌تواند داشته باشد؟ او در بازسازی نظام آموزشی که در سال ۱۹۳۷ مطرح کرد، گفت انقلابی در امر آموزش عالی پدید خواهد آورد که با نیازهای ملی در ارتباط باشد. ما این روزها درباره انطباق دانشگاه با صنعت حرفهای فراوانی می‌شنویم، مثلاً دانشگاه با کارخانه‌های مختلف در ارتباط باشد و کارخانه‌ها هزینه

چکیده: در این مقاله کوشش شده است که نشان داده شود مهاتماگاندی، رهبر سیاسی مردمی هند، درباره آموزش عالی هم نظرات خاصی داشت و معتقد بود که سوادآموزی بدون آموزش حرفه‌ای برای جامعه مفید نیست. گاندی معتقد بود که تحصیلات عالی منطبق با واقعیات اجتماعی و اقتصادی هند نیست. وی می‌گفت که کاردستی با کارذهنی برابر است و در اثنای کار هم می‌توان عبادت کرد. او دلیل بیکاری فارغ‌التحصیلان را عدم نیاز جامعه به تخصص آنان می‌دانست و معتقد بود که تعلیمات آزاد باید برچیده شود و تعلیمات مبتنی بر حرفه جای آن را بگیرد. تعلیم و تربیت باید در اختیار دولت باشد. مردان و زنان باید امکان یکسانی برای تحصیل داشته باشند. تعلیمات عالی باید به وسیله بخش خصوصی حمایت شود.

۱. دکتر ورگیس ویلانیلام (John Vergies Vilanilam) از اساتید دانشگاه‌های هند است و از ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ ریاست دانشگاه کرالا را به عهده داشته است. این مقاله در نشریه *Employment News*، ۳ اکتبر ۱۹۹۷ (شماره ویژه گاندی) چاپ شده است.

کلیدواژه: گاندی، آموزش عالی، سوادآموزی، آموزش حرفه‌ای،
کاردستی، عبادت، بیکاری، تعلیمات آزاد.

کننده است. چرا یک فرد فارغ التحصیل دانشگاه باید یک کار باشد؟»

مهاتما گاندی متخصص تعلیم و تربیت نبود، اما هنگامی که گفت آموزش واقعی باید به طور عملی باشد، بیش از هر متخصص تعلیم و تربیت امروزی به تعلیم و تربیت معنی داد. او همچنین معتقد بود که تعلیم و تربیت با هدف خودنمایی مخالف تعلیم و تربیت اجتماعی است. فقط آن تعلیمی که برای اجتماع، به ویژه برای مستمندترین افراد، خدمت کند، می تواند تعلیم و تربیت واقعی نامیده شود. او یاد رنظر گرفتن همه صحنه های آموزشی نه تنها هند، بلکه سراسر جهان، گفت: «با کار کردن با ماشین، خودنیز به ماشین بدل شده ایم و هرگونه احساس هنری و کارهای دستی را از دست داده ایم.» او برای رندهم - جنبه دانشجویان، تعلیم و تربیت از راه عملی، جسمانی و کارهای دستی را ضروری می دانست. چون به نظر وی مغز و قلب تنها از راه کارهای جسمانی رشد واقعی می یابد.

گاندی جی هم مانند ایلچ و فریر معتقد بود که انسان در دنیای جدید ناگزیر شده است که هر آن چیزی را که در گذشته آموخته بود فراموش کند. گاندی جی نسلی از متخصصان معروف تعلیم و تربیت را تحت تأثیر قرارداد. افرادی چون ذاکر حسین، آریانا یاکام، ک. جی. سیدین،^۲ وینوبا بهاوه، ج. سی. کوماراپا، کاکاساحب کال کار،^۳ ک. ت. شاه، سید محمد، و آشادوی^۴ سرسختانه معتقد بودند که نظام موجود تعلیم و تربیت باید با یک نظام مثبت انسانی که بانیزهای ملی، مخصوصاً نیازهای شدید مناطق روستایی، بیشتر توافق دارد، جابه جا شود.

کار آموزش درسهایی را که خود نیاز دارند پردازند. گاندی از مدارس، کارخانه ها یا مؤسسات علمی خود کفا جانبداری می کرد، رویای پی ریزی نظام آموزشی جدیدی را می دید که کاملاً با نظام پیشین متفاوت بود. بالاتر از همه، او می خواست که این نظام جدید به حال گروه کثیری که در روستاها زندگی می کنند سودمند باشد.

به نظر مهاتما گاندی تعلیمات عالی یا آموزش به معنی عام آن باید به مثابه ابزاری برای بهبود وضع ملت به کار رود و «راهی برای ایجاد بهترین جسم، مغز و روح برای کودک و انسان باشد.» به عقیده وی با سواد شدن پایان کار آموزش نیست، «حتی آغاز آن هم شمرده نمی شود.» آموزش باید به ایجاد عالیترین تحول در مغز منجر شود، اما این تحول تنها به وسیله پرورش علمی قوای ذهنی و بدنی تحقق پیدا کند. برای پروردن چنین مغزی و همچنین برای کاربرد آن دانش به دست آمده، باید به دانشجویان فرصت آفریدن و ساختن، هر چند به صورت ناقص، داده شود. آنان باید چراها و چگونگی های هر چیزی را، در همان لحظه ابداع، کشف کنند. آموزش امروز، به جای چنین تعلیمی اطلاعاتی را بر کودکان تحمیل می کند که آنان خود از راه مشاهده و تجربه شخصی به دست نیاورده اند. دانشجویان تشویق نمی شوند که مغزهای خود را برای ادراک حوادث ساده و پیچیده و مسائل گوناگون به کار اندازند. حتی برای کسب اطلاعات درباره محیط خود به آنان فرصت استفاده از کتابخانه داده نمی شود. به آنان اجازه نمی دهند که آزادانه فکر کنند.

گاندی جی اساساً مخالف سواد آموزی، ورزش جسمانی و تعالیم مذهبی نبود؛ او مخالف سواد آموزی بدون آموزش حرفه ای، ورزش جسمانی بدون تحول روحی، و تعالیم مذهبی بدون خدمت علمی و اجتماعی بود.

درباره آموزش دانشگاهی می گفت: «آموزش دانشگاهی به طور گسترده با شهرها در ارتباط است. من عقیده ام این نیست که آموزش دانشگاهی، مانند تعلیمات ابتدایی و متوسطه، ناموفق بوده است، اما به هر حال نتیجه آن مایوس

2. Aryana ayakam
3. K.G.Saiyidain
4. Vinoba Bhave
5. J.C.Kumarappa
6. Kakasaheb Kalelkar
7. Asha Devi

دورنگه دارد، به این دلیل که بعضی کارها به طبقات خاصی منحصر بوده است. گاندی عقیده داشت تاجایی که به مشاغل ارتباط دارد، این مانع طبقاتی باید از میان برداشته شود.

امروز ما چه می‌کنیم؟ هنوز آن الگوی تعلیمات آزاد را دنبال می‌کنیم که در دوره استعمار به مرحله اجرا درآمده بود. در حالی که مطرح کنندگان آن الگو، خود آن را در کشورهایشان کنار گذاشته‌اند. در مدارس عمومی اروپا و آمریکا به همه دانشجویان حرفه‌های مختلف را آموزش می‌دهند. همه آموزشگاه‌ها به کارگاه‌هایی متصل‌اند که دانشجویان را به کارخانه‌های واقعی و به دنیای کار در بیرون چهار دیوارهای آموزشگاه‌ها هدایت می‌کنند.

به همه دانشجویان فرصتی یکسان برای ورود به تحصیلات عالی داده نشده است. برخی از آنان در کار برتری کسب می‌کنند و این مستلزم آن است که علاوه بر کسب دانش‌های اساسی در زبان، ریاضی، علوم طبیعی و زیستی ابتدایی حسابداری و جز آن، اطلاعاتی هم در تاریخ، جغرافیا، میراث اجتماعی فرهنگی کشور خود، به اضافه حرفه‌ای خاص یا کارهای عملی نظیر نجاری، آهنگری، تراشکاری، چاپ، رایانه، بسته‌بندی میوه، کنسرو سازی، جاده سازی و کارهای ساختمان، یا هر کار ضروری دیگری که برای بهتر ساختن زندگی و وضع کار مردم محلی یا همسایگان آن منطقه یا استان یا به طور کلی در همه جای مملکت مفید است، فرا می‌گیرند. بعد از گذراندن چنین دوره‌ای و کسب چنین تعلیماتی در سطح دبیرستان، بسیاری از دانش‌آموزان به مشاغل گوناگون جذب می‌شوند و فقط تعدادی اندک به تحصیلات عالی راه می‌یابند. بر این مبنا، حتی کسانی که در سطح دانشگاهی تحصیل کرده‌اند، قادرند از اطلاعات عملی خود که در دبیرستان فرا گرفته‌اند، برای دانش نظری که در دانشگاه فرامی‌گیرند استفاده

۸. سازمان اعانه دانشگاهی (University Grant Commission) را فارسی‌دانان هندوستان ترجمه کرده‌اند. به نظر من ترجمه‌رسانی نیست. مناسبتر آن است که «شورای پشتیبانی دانشگاه» یا «شورای کمک‌های دانشگاهی» به جای آن قرار دهند. م.

تلاش «سازمان اعانه دانشگاهی» (U.G.C.)^۸ شایان تقدیر است که به اهمیت صنعتی کردن آموزش عالی پی برده است. اما تنها با افزودن سرفصل‌های صنعتی به فهرستی که اکنون به طور قراردادی تعلیم داده می‌شود، نظر گاندی جی درباره صنعتی کردن آموزش به تحقق نخواهد پیوست.

نظر گاندی جی آن بود که هندوستانی به وجود بیاورد که همه اتباع آن به یاری نظام آموزشی «به احساس شدید ارزش شخصیت، مقام و صلاحیت» نایل شوند و آن نظام «در وجود آنان تصمیم خودسازی و خدمت اجتماعی را در یک جامعه متعاون به وجود آورد».

شدیدترین انتقادی که گاندی جی علیه تحصیلات عالی روزگار خود داشت آن بود که آن تحصیلات همانند تحصیلات ابتدایی و متوسطه با واقعیات موجود اجتماعی اقتصادی مملکت مرتبط نبود و از آن رو هیچ سودی به حال مملکت نداشت. او می‌گفت: «هر چه بر حقایق استوار باشد بر ملیت استوار است و این نیاز دولت است.» وی همچنین عقیده داشت که تعلیم باید به نوعی هماهنگی آمیخته از زندگی و کار مشخص تعلیم یافته منجر شود. بر آن بود که نه تنها مغز بلکه انگشتان هم باید بنویسند و سرسختانه باور داشت که کار دستی یا کار ذهنی برابر است و شخص می‌تواند در اثنای کار هم خدا را عبادت کند. به همین دلیل به کار و کوشش مرتبه‌ای والا، حتی مرتبه‌ای روحانی، قایل بود. در برنامه کارهای او، محبت فعالیتی برای انسانیت بود تا دنیایی بهتر برای هموعان فراهم آید.

در دفاع از تأکید گاندی جی در آمیختن فعالیت‌های دستی و ذهنی می‌توانیم وضع بیکاران تحصیل کرده هند امروز را مثال بیاوریم. هر ساله هزاران نفر از کالجها و دانشکده‌های مافارغ التحصیل می‌شوند که اکثر آنها تنها بیکارند بلکه بیکاره‌اند. آنان تمایلی ندارند که در اکثر مشاغل پر زحمت دستی مشغول کار شوند و این عدم تمایل به سبب آن تربیت علمی است که در یک جامعه طبقاتی به دست آورده‌اند، جامعه‌ای که از صدها سال بدین سو مرسوم بوده است که خود را از حرفه‌های سودبخش اجتماعی اقتصادی

نوع بردگی می دید، یکی آن بردگی که از بیرون به انسان تحمیل می شود و دیگری بردگی انفرادی که از راه نیازهای مصنوعی به انسان تحمیل می گردد و در درون ملت است. آزادی از هر دو نوع سلطه و استثمار باید به یاری تعلیم و تربیت فراهم شود.

آنچه ما امروز بدان نیازمندیم این است که تعلیم و تربیت را نه تنها در سطح بالابلاکه در تمام سطوح بازسازی کنیم. با بذل توجه به تعلیم و تربیت عقلی که فقط می تواند از راه تمرینهای مناسب و پسروردن دستها، پاها، چشمها، گوشها و بینیها تحقق پذیرد، باید تعلیم دیدگان را چنان پرورش دهیم که صحیح عمل کنند و کارهایی از قبیل امور اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی با خصایل انسانی انجام دهند. اگر امروز در هند رهبران مستعد اندک اند، به این دلیل است که نظام آموزشی عوامل ضروری برای آفریدن چنین رهبران را فراهم نمی کند.

نظر گاندی درباره آموزش و پرورش در هند جدید نظری بت شکنانه بود. گاندی جی در دیدگاههای خود چنان انقلابی بود که تأکید می کرد که حتی مؤسسات آموزشی رسمی برچیده شوند. او یک بار گفت که خطای وهم - آلود خواهد بود اگر بپنداریم که علم تنها از راه رفتن به مدرسه ها و دانشگاهها به دست می آید، «جهان پیش از آنکه مدرسه ها و دانشکده ها پدید آمده باشند، دانشجویانی برجسته پرورده است. هیچ چیز در شرف بخشیدن به انسان و تدوام آن همپای خود آموزی نیست. من نمی خواهم که بیش از حد مدرسه ها و دانشکده ها را نکوهش کنم، آنها در جای خود فوایدی دارند، اما ما در فواید آنها مبالغه می کنیم، آنها یکی از ابزارهای تحصیل دانش اند.» این نظریت شکنانه درباره مؤسسات آموزشی در وضع امروزی هندنیز کاملاً صادق است. گروهی کثیر پشت درهای دانشگاهها ازدحام می کنند و نومید باز می گردند؛ همه داوطلبان را

کنند. اگر آنان حتی درجایی که آموخته های دانشگاهیشان قابل اجراست، شغلی هم به دست نیاورند، از اطلاعات عملی که قبلاً کسب کرده اند استفاده می کنند، در جامعه خود، به جای آنکه عاطل و سربار خانواده های خود و در سطح وسیعتری سربار اجتماع باشند، برای جامعه ای که در آن زندگی می کنند مفید واقع می شوند.

گاندی جی از تعلیمات عالیة زمان خود به این دلیل که به حقایق اجتماعی زمان خود ارتباط نداشت انتقاد می کرد. این انتقاد به اجتماع مدرن هند در روزگار ما هم وارد است. افراد زیادی بر گاندی جی ایراد گرفتند و هنوز هم بسیاری در هند از وی انتقاد می کنند که او امکان پدید آوردن شرایط تحصیلات عالی را برای همه دانشجویان نفی می کرد و طرفدار تعلیمات عالی برای طبقات عالی بود. اما حقیقت چیز دیگری است. او با تعلیمات عالی مخالفتی نداشت، بلکه او واقع گرا بود و مظاهر اجتماعی را شدیداً مدنظر داشت. در روزگار او هزینه های گزاف و تلاشهای عظیم در راه تعلیمات غیر تولیدی هدر می شد و البته امروز وضع بسیار بدتر است.

تلاشهای امروزی در جهت تمرکززدایی اداری از راه تفویض قدرت به شوراهای کوچک روستایی صورت می گیرد. اما تاروژی که هر شورای کوچک روستایی در رفع نیازهای اساسی مردم از راه بازسازی مناسب تواناییهای محلی در امر تعلیم و تربیت، تعمیم شغل، خانه سازی، کانال - کشی، بهداشت، حفظ سلامت مردم و بالاتر از همه ارتباط دادن تعلیم و تربیت با حرفه و شغل در سطوحی پایین توفیقی به دست آورد، آن تلاشها تنها در تقویت تقسیم گروههای اجتماعی به کار خواهد رفت.

شوراهای داوری پنج نفره روستایی، به شرط آنکه مردم روستاها از خواب غفلت «فرهنگ سکوت» - تعبیری که پائولو فریر به کار برده است - بیدار شوند و از تأثیر نجات بخش بودن تعلیم و تربیت آگاهی به دست آورند، جامعه ما را متحول خواهند ساخت. اگر فریر نقش ضروری تعلیم و تربیت در تحول اجتماع را در تخریب ساختارهای غیر انسانی ممکن می دانست، گاندی آن را ابزار رهایی آزدو

۹. Panchayats شورای پنج نفره محلی است که سابقه ای بسیار طولانی دارد. نظر این شورا درباره مسائل اقتصادی، خانوادگی و حل اختلافات مردم محل نافذ است و جنبه قانونی دارد. به جای آن «شورای داوری پنج نفره روستایی» قرار داده ایم. م.

فراهم ساختن شغل و زندگی بهتر. باید چنان فضای عامی فراهم شود که همه کس در آن فضا نیاز خود را به حد کافی بیابد، اما نه برای ارضای طمع خود و همه باید در امنیت به سر برند.

۴. فرد تحصیل کرده فردی است که از حقوق خود و به همان اندازه از مسئولیت خویش آگاه باشد. فردی است که مصمم است برای احقاق حق خود و همچنین حقوق اساسی انسانهای دیگر و برای خاطر نفع عموم جامعه بجنگد.

فردی است که آگاهانه برای آفریدن حیاتی بهتر تلاش کند تا در جامعه او هر هم وطن حق برابر داشته باشد و اجازه ندهد که هیچ کس برای تخریب محیط سالم و صلح عمومی به منظور گرد آوردن ثروت برای خود و خانواده خود بکوشد.

۵. هیچ کسی را که قدرت ذهنی دارد نباید از تحصیلات عالی بازداشت، و لولاینکه آن فرد قدرت فیزیکی و اقتصادی برای کسب آن نداشته باشد.

۶. مردان و زنان، هر دو، باید برای تحصیلات عالی امکانی یکسان داشته باشند. آنان باید در انتخاب رشته تحصیلی خود که بدان علاقه دارند و آن رشته به نفع جامعه است، آزاد باشند.

۷. تعلیم و تربیت باید پیوسته آمیخته با چنان تجربه شریفی باشد که مردان و زنان رایاری دهد تا در وجود خود بهترینها را کشف کنند و تمام صلاحیت خود را به سود دیگران به کار برند، به ویژه برای افرادی که خود آنان در جامعه از نظر اجتماعی، طبیعی و اقتصادی بهره کمتری دارند، سودمند باشند.

۸. در برنامه ریزی تحصیلی در همه سطوح باید بر وقار انسانی، اهمیت کار، مساوات همه افراد نوع بشر، حقوق بشر، مسئولیتها، برابری زن و مرد، آزادی، رهایی از اعمال غیر قابل دفاع غیر اخلاقی، رهایی از اعمال مخرب طبیعت، و تشبث سفت و سخت به عدم خشونت و حقیقت تاکید شود.

نمی‌توان پذیرفت. در دهه‌های آینده بر شمار داوطلبانی که علاقه‌مند به تحصیلات عالی هستند ناگزیر به سرعت افزوده خواهد شد. هر هزینه‌ای که صرف مؤسسات تعلیمات عالی شود، هرگز کافی نخواهد بود. خودآموزی، فراگیری از طبیعت و تجارب زندگانی، هر جاکه مقدور است، از راه آموزشی بانظام باز، مدارس باز، و دانشگاههای بازار حل این مشکل در قرن بیست و یکم خواهد بود. فقط یک چنین نظام آموزشی می‌تواند نیازهای روز افزون تعلیمات عالی را در کشورهایی با جمعیت بسیار انبوه پاسخگو باشد.

بازنگری در افکار گانندی درباره تعلیم و تربیت در حال حاضر و در دهه‌های آینده ما را قادر خواهد ساخت که درسهایی اساسی فراگیریم که بتواند برای قرن آینده مفید باشد. آنها عبارت‌اند از:

۱. برچیدن تعلیمات آزاد فعلی که در دوره استعمار آغاز شده و نشان دادن تعلیمات مبتنی بر حرفه یا شغل محور در سطوح ابتدایی و متوسطه به جای آن یک ضرورت است. اما حرفه یا شغل تنها ابزاری برای رسیدن به یک هدف است. هدف همان پروردن مردم مملکت با صفات و تمایلات انسانی و راسخ است، به این دلیل که گانندی فرد را فراتر از هر چیز می‌دانست.

۲. چون تعلیم و تربیت برای پروردن مردم با کرداری خاص است، باید هم میهنان را همچنین از ضرورت زندگی مسالمت‌آمیز اجتماعی آگاه کند. «غایت و نهایت فردگرایی افراطی به معنی نفی جامعه و تمام اهداف استقلال است.»

۳. چون تعلیم و تربیت ابتدایی و متوسطه بر تربیت حرفه‌ای و پرورش اخلاقی تاکید می‌کند، این امر باید در اختیار دولت باشد. تعلیمات عالی باید به بخش خصوصی واگذار شود و عموماً بر رعایت نیازهای ملی مبتنی باشد. هدف تعلیمات عالی همچنین باید ابداع چنان شرایطی باشد که به پیشرفت برنامه‌ها و تولید محصولاتی منجر شود که به تأمین نیازهای مردم یاری کند - رفع فقر،

مقاله او از روزنامه *Harijan* (۹ ژوئیه ۱۹۸۳) نقل کنیم: «من دشمن تعلیمات عالی نیستم بلکه دشمن آن تعلیمات عالی هستم که اکنون عرضه می‌شود. به نظر من باید کتابخانه‌های بهتر و بیشتر، آزمایشگاهها، و مؤسسات پژوهشی دایر شود. در سایه آن شرایط است که ما گروهی شیمی‌دان، مهندس و استادانی دیگر خواهیم داشت که خادمان حقیقی ملت و پاسخگوی نیازهای گوناگون و روز افزون مردمی خواهند بود که متماداً از حقوق و نیازهای خود آگاهی پیدا می‌کنند. این استادان، سخن خواهند گفت اما نه به زبان بیگانه بلکه به زبان مردم. دانشی که آنان فرامی‌گیرند، از آن همه مردم خواهد بود. آنان حقیقتاً کار اصولی خواهند کرد نه اینکه فقط انتقال‌دهنده باشند و ارزشها عادلانه و منصفانه تقسیم خواهد شد.»

دیدگاههای گاندی جی در ارتباط با تعلیمات عالی در هند آزاد هرگز کاستی نخواهد یافت بلکه هر چه سالها بگذرد، افزونی پیدا خواهد کرد. پس از گذشت پنجاه سال آزادی از یوغ بیگانه، هندوستان هنوز قادر نشده است که حتی عسری از رؤیاهای او را تحقق بخشد. ■

۹. تعلیمات عالی باید به وسیله بخش خصوصی حمایت شود.

۱۰. آن دسته از تعلیمات عالی تخصصی و فنی که در برنامه های معین دولتی و فعالیتهای صنعتی به کار می رود و برای جامعه مفید است، باید از سوی دولت و صنایع حمایت شود.

۱۱. این مقدار معتابه هنر که در برنامه های آموزشی دانشکده ها گنجانیده می شود، اتلاف محض وقت است و منجر به بیکاری در میان فارغ التحصیلان می شود. این نوع تعلیم، سلامت ذهنی و جسمی، هر دو را در افرادی که تحت تعلیم اند، نابود می کند.

۱۲. فارغ التحصیلان تعلیمات عالی در هند آزاد باید نیازهای کشور را تأمین کنند و با تلاشی مصرا نه خود را از اسارت آموزشی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که طی قرن‌ها استثمار بر آنان تحمیل شده است، رهایی بخشند.

خلاصه کلام، اجازه بدهید نظر گاندی جی را از یک

